

فصلنامه تخصصی اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال سوم، شماره سوم و چهارم، پاییز - زمستان ۱۳۹۷ [انتشار: پاییز ۱۳۹۹]

سرمسختن: اندر نگاهداشت جانب اهل وفا • تلفظ صامت‌های عربی «ض» و «ظ» در زبان فارسی / علی‌اشرف صادقی • درباره تاریخ تألیف نزهة المجالس جمال‌الدین خلیل شروانی و نمونه خط شمس‌الدین جونی اول / عبداللّٰه شیخ‌الحکامی • رباعیات خیتام، بررسی دستنویس محمد قوام / سید علی میرافشلی / نسخه‌های تازه‌یافت از معدن‌الذکر در مجارستان / عارف نوشاهی • اشعار کافی ظفر در سفینه صائب / محسن ذاکرالحسنی «پوند» • ابیاتی نویافته از آفرین‌نامه ابوشکور بلخی / سید محمدحسین حکیم • شهید بلخی، شاعر و فیلسوف هم‌عصر رازی / فرانسوا بلوا، ترجمه: میرسالار رضوی • یادگار تصویری چاپ سنگی زیارت کربلای معلى / علی بودری • دگرگونی دو وزن دوری‌شده، بررسی تاریخی و تحلیل موسیقایی / بهرام بنائی • معرفی و تصحیح فرستامای کهن / یاسین اسماعیلی • ترجمه‌ای کهن از قصیده نوبیه ابوالفتح بستی / فاطمه شاملو • مجله مولانا رومی (جلد ۲۰، ۲۱) / مجالدین کیوانی • شعر تغزلی فارسی در دوران کلاسیک، ۸۰۰-۱۵۰۰: غزل، قصیده و رباعی / مجالدین کیوانی • دستور الملوک میرزا رفیعا با ملاحظاتی درباره دو متن مشابه آن / علی صفری آق‌قلعه • نگاهی به فرهنگنامه توصیفی پزشکی در شعر کهن فارسی / اکبر حیدرانی • نگاهی به تصحیح خلاصه الاشعار و زیادة الافکار (بخش قزوین، گیلان و دارلرز و نوا) / مرتضی موسوی • نقد و بررسی دیوان اشعار شهاب‌الدین عماد بخارایی / محسن شریفی صحنی • مروری بر کتاب ان‌لئون در عرصه علم و سیاست / هدیه رهبری • ریشه‌شناس چه می‌کند؟ (۵) / ستایش دشتی • آثار پیکوی ابراهیم افندی / نصرالله صالحی • چند نکته درباره ابوعلی تیرانی (تیرانی) / اکبر نعمی • ابوعلی تیرانی، صاحب کتاب المصداور / سید احمدرضا قائم‌مقامی • عبید با عبید زاکانی، درنگی بر اشعار منسوب به عبید در مجموعه لطایف و سفینه ظریف / فرنام حقیقی • خودنقادی، ذیلی بر مقاله پیشین نگارنده / محسن شریفی صحنی



فهرست

سر سخن

اندر نگاهداشت جانب اهل وفا..... ۴-۳

جستار

تلفظ صامت‌های عربی «ض» و «ظ» در زبان فارسی / علی‌اشرف صادقی..... ۱۲-۵
 درباره تاریخ تألیف نزهة المجالس جمال‌الدین [خلیل شروانی و نمونه خط شمس‌الدین
 جوینی اول / عمادالدین شیخ‌الحکمایی..... ۱۵-۱۳
 رباعیات خیتام، بررسی دستنویس محمد قوام / سید علی میرافضلی..... ۲۲-۱۶
 نسخه‌ای تازه یافت از معدن الدرر در مجارستان / عارف نوشاهی..... ۲۶-۲۳
 اشعار کافی ظفر در سفینه صائب / محسن ذاکر الحسینی «پرنده»..... ۲۸-۲۷
 ابیاتی نویافته از آفرین نامه ابوشکور بلخی / سید محمدحسین حکیم..... ۳۲-۲۹
 شهید بلخی، شاعر و فیلسوف هم عصر رازی / فرانسوا دیلو؛ ترجمه: میرسالار رضوی..... ۳۹-۳۳
 یادگار تصویری چاپ سنگی زیارت کربلای معلی / علی بوذری..... ۴۵-۴۰
 دگرگونی دو وزن دوری شده، بررسی تاریخی و تحلیل موسیقایی / بهراد بنائی..... ۵۸-۴۶
 معرفی و تصحیح فرسنامه‌ای کهن / یاسین اسماعیلی..... ۷۱-۵۹
 ترجمه‌ای کهن از قصیده نونیه ابوالفتح بستی / فاطمه شاملو..... ۸۲-۷۲

نقد و بررسی

مجله مولانا رومی (جلد نهم، ۲۰۲۰م) / مجالدین کیوانی..... ۸۸-۸۳
 شعر تغزلی فارسی در دوران کلاسیک، ۸۰۰-۱۵۰۰: غزل، قصیده و رباعی / مجالدین کیوانی..... ۹۴-۸۹
 دستور الملوک میرزا رفیعاً با ملاحظاتی درباره دو متن مشابه آن / علی صفری آق‌قلعه..... ۱۰۹-۹۵
 نگاهی به فرهنگنامه توصیفی پزشکی در شعر کهن فارسی / اکبر حیدریان..... ۱۱۶-۱۱۰
 نگاهی به تصحیح خلاصه الاشعار و زیادة الافکار (بخش قزوین، گیلان و دارالمرز و نواحی آن) / مرتضی موسوی.....
 نقد و بررسی دیوان اشعار شهاب‌الدین عمیق بخاری / محسن شریفی صحرایی..... ۱۳۴-۱۲۹
 مروری بر کتاب ان‌لمتون در عرصه علم و سیاست / هدیه رهبری..... ۱۳۶-۱۳۵

پژوهش‌های دبایستی

ریشه شناس چه می‌کند؟ (۵) / ستایش دشتی..... ۱۴۱-۱۳۷

ایران «متون و منابع عثمانی» (۲۰)

آثار پیجوی ابراهیم افندی / نصرالله صالحی..... ۱۴۴-۱۴۲

درباره نوسازی پشین

چند نکته درباره ابوعلی تیزانی (تیزانی) / اکبر نحوی..... ۱۴۷-۱۴۵
 ابوعلی تیزانی، صاحب کتاب المصادر / سید احمد رضا قائم مقامی..... ۱۵۰-۱۴۸
 عبید یا عبید زاکانی، درنگی بر اشعار منسوب به عبید در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف /
 فرزام حقیقی..... ۱۶۲-۱۵۱
 خودانتقادی، ذیلی بر مقاله پیشین نگارنده / محسن شریفی صحرایی..... ۱۶۴-۱۶۳

بسم الله الرحمن الرحيم



۸۴ - ۸۵

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح
 متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی
 دوره سوم، سال سوم، شماره سوم و چهارم
 پاییز - زمستان ۱۳۹۷ [انتشار: پاییز ۱۳۹۹]

صاحب امتیاز:

مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر: مسعود راستی‌پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ دیجیتال: میراث

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و
 ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir

gozaresh@mirasmaktoob.ir

بها: ۲۵۰,۰۰۰ ریال

روی جلد: شاهنامه فردوسی، نسخه تهیه شده برای
 ابراهیم میرزا تیموری، بی تا [میان ۸۱۷ - ۸۳۸ ق.]،
 به نشانی MS. Ouseley Add. 176-017r در کتابخانه بادلین.

تصویر خط بسمله

از نسخه کتابخانه John Rylands

ترجمه‌ای کهن از قصیده نونیه ابوالفتح بستی

فاطمه شاملو

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی
Fateme.shamloo@gmail.com

ابوالفتح بستی

ابوالفتح علی بن محمد بن حسین بن یوسف بن محمد بن عبدالعزیز بستی (د. ۴۰۰ یا ۴۰۱ ق) از دبیران و شاعران معروف سده چهارم قمری است. او عهده‌دار دیوان بایتوز، امیر بست، بوده و پس از شکست و فرار او به کرمان به سبکتکین پیوسته است (جرفاذقانی، ۱۳۵۷: ۳۳-۳۴). از بستی کلمات قصار و امثالی در متون تاریخی و ادبی به صورت پراکنده آمده است. او شاعری ذولسانین بوده است. عوفی در لباب‌الالباب اشاره کرده که دیوان تازی و پارسی بستی را دیده است (عوفی، ۱۳۶۱: ۶۴/۱).

با اینکه دیوان فارسی بستی بر جای نمانده نسخه‌هایی از دیوان اشعار عربی او موجود است و متن آن چندین بار به چاپ رسیده است (آذرنوش، ۱۳۷۳: ۶/۹۵-۱۰۰). دیوان بستی شامل شماری دوبیتی و نیز قطعاتی است که اغلب آنها بیشتر از ۱۰ بیت نیست. تنها قصیده بلند او، که معروف‌ترین اثر شعری وی نیز به شمار می‌رود، قصیده نونیه‌ای است که به نام «عنوان‌الحکم» معروف است.

عنوان‌الحکم (قصیده نونیه)

این قصیده مشتمل بر مسائل اخلاقی و حکمی است و به همین علت غالب ابیات آن مورد توجه نویسندگان و شاعران بوده و به تناسب موضوعات خود به ابیات آن استشهد کرده‌اند. تعداد ابیات این قصیده در منابع و

نسخه‌ها مختلف است. منابع مختلف تعداد ابیات این قصیده را از ۵۶ (مدرس تبریزی، ۱۳۷۴: ۱/۲۶۳) تا ۸۰ بیت گفته‌اند (دولتشاه سمرقندی، ۱۳۸۲: ۲۶). در نسخه‌ها نیز تعداد ابیات این قصیده، با اختلاف چهار-پنج بیت، در حدود ۶۰ بیت است. این قصیده مشهور را عده‌ای از ادبا به فارسی و عربی شرح یا ترجمه کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

شروح فارسی و عربی و تخمیسات عنوان‌الحکم

آنگونه که گفتیم قصیده نونیه ابوالفتح بستی از دیر باز مورد توجه نویسندگان متون فارسی بوده و ابیاتی از آن، دست‌کم از سده ششم هجری، در این متون مورد استشهد قرار گرفته است.^۱ قصیده عنوان‌الحکم چندان مورد توجه بوده که حتی برخی نویسندگان، همه یا تعداد قابل توجهی از ابیات آن را در نوشته‌های خود نقل کرده‌اند.^۲

در میان منابع کهن، حاجی خلیفه دو شرح نقره‌کار و سُرمراری را شناسانده است (حاجی خلیفه، ۱۹۴۱م: ستون ۱۳۳۶). فهرستی از شروح این قصیده در فهرستگان نسخه‌های خطی ایران آمده است (درایتی، ۱۳۹۱: ۴۲۶-۴۲۷) که برخی از آنها تا کنون به درستی شناخته نشده‌اند. در زیر به شروح شناخته شده این اثر به ترتیب تاریخی اشاره می‌شود:

۱. شرح ذوالنون احمد سُرمراری عتباتی (۶۷۷ق) که حاجی خلیفه به آن اشاره کرده و چون به فارسی یا ترکی بودن آن تصریح نکرده به احتمال بسیار عربی است (حاجی خلیفه، ۱۹۴۱م: ستون ۱۳۳۶). گویا از این شرح تا کنون نسخه‌ای شناسایی نشده است و دیگران همه از حاجی خلیفه نقل کرده‌اند (سزگین، ۱۳۸۰: ۸۶۷؛ دانش‌پژوه، ۱۳۴۶: ۶۲۹).

۱. از جمله در اغراض السیاسة سمرقندی (سده ششم، ۱ بیت)، مکارم الاخلاق (سده ششم، ۲ بیت)، مرزبان‌نامه (سده هفتم، ۱ بیت)، اعجوبه و محجوبه (سده هفتم، ۴ بیت)، شرح اخبار و ابیات و امثال عربی کليلة و دمنه (سده هفتم، ۲ بیت)، درة الاخبار (سده هشتم، ۳ بیت)، بلوهر و بیوضف (سده هشتم، ۳ بیت)، مرصادالعباد (قرن هفتم، ۱ بیت).

۲. از جمله در نثر النظم و حل العقد ثعالبی (۴۲۹ق) در بخشی با عنوان «باب فی الامثال» ۴۴ بیت از عنوان‌الحکم آمده و در برابر هر بیت، مثلی عربی با همان مضمون یاد شده است (ثعالبی، ۱۳۰۰: ۱۲۳-۱۲۸). نیز در کشکول شیخ بهائی ۵۰ بیت، در جواهر الادب ۵۴ بیت و در حیوة الحیوان دمیری (در ماده ثعبان) ۵۶ بیت (تقریباً کل شعر) نقل شده است (مدرس تبریزی، ۱۳۷۴: ۱/۲۶۳).

۲. شرح عبدالرحیم بن محمد عبدالرحیم عمری (د. پس از ۷۸۰ق؛ سزگین، ۱۳۸۰: ۸۶۷).

جهان‌آچنده کشنیک کمالی نقصان در
نه اسی خیردن اوزکه ایدرسه خسران در

ترجمه‌های فارسی عنوان‌الحکم

از عنوان‌الحکم ترجمه‌هایی فارسی، به نظم و نثر، دست‌کم از سده هفتم به بعد وجود دارد:

۱. کهن‌ترین و احتمالاً مهم‌ترین ترجمه متعلق به بدرالدین جاجرمی (د. ۶۸۶) به نظم فارسی است که حاجی خلیفه (۱۹۴۱ م: ستون ۱۳۳۶) به آن اشاره کرده و متن آن نیز منتشر شده است (دانش‌پژوه، ۱۳۴۶: ۶۲۹-۶۳۹). قصیده‌ای مردّف به ردیف «است» با حرف روی «نون» است. به عبارتی، صرف‌نظر از ردیف، این ترجمه نیز مقفی به حرف «نون» (نوبه) می‌باشد. مطلع آن چنین است:

هر کمالی که ز دنیا است همه نقصان است
سود کآن محض نکویی نبود خسران است

در برخی از نسخه‌های عنوان‌الحکم، همین ترجمه همراه متن عربی نقل شده است. از جمله در سفینه‌تبریز (ص ۷۲۱-۷۲۲) که تاریخ کتابت آن ۷۲۳ ق است و ۵۷ بیت از قصیده را در بر دارد.

۲. ترجمه منظوم دیگری نیز از شاعری گمنام در دست است که در نسخه ۷۰ ج، دانشکده ادبیات (۶۵ پ-۶۸) دیده می‌شود و به گواهی خط آن، باید از سده‌های ۷ و ۸ ق باشد (دانش‌پژوه، ۱۳۴۶: ۶۲۹).

۳. ترجمه مثوری نیز از این قصیده از حدود سده هشتم یا اندکی پیش از آن موجود است که موضوع اصلی این مقاله است و متن تصحیح‌شده آن اینجا ارائه شده است.

۴. یک ترجمه فارسی منظوم که در نسخه‌ای از چند قصیده عربی (شماره ۱۳۶۲ کتابخانه هدایی افندی، بی‌تا [حدود سده ۱۰ ق]) مندرج است. متأسفانه نام مترجم در نسخه درج نشده است. برخی مشکلات وزنی در ترجمه منظوم نشان می‌دهد که یا سراینده تبخّر چندانی نداشته و یا کاتب آن را نادرست کتابت

۲. شرح عبدالرحیم بن محمد عبدالرحیم عمری (د. پس از ۷۸۰ق؛ سزگین، ۱۳۸۰: ۸۶۷).

۳. شرح محمود بن عمر نجاتی نيسابوری (زنده در ۷۳۸ ق) که بخشی از کتاب إعراب القصائد الثلاث و ایضاح غوامض الابحاث وی است. از عنوان اثر چنین برمی‌آید که وی اعراب قصیده نوبه را مشخص کرده و غوامض آن را توضیح داده است. دو قصیده دیگر عبارتند از قصیده رجاء الاصفهانی و قصیده فرزدق. از این شرح چند نسخه بر جای مانده است (کحاله، ۱۳۷۶ ق: ۱۸۷/۱۲-۱۸۸؛ سزگین، ۱۳۸۰: ۸۶۸).

۴. یکی از شروح عربی این قصیده، به نام «الانوار المضيئه فی شرح القصيدة البستیه»، متعلق به عبدالله نقره‌کار (د. ۷۷۶ ق) است. حاجی خلیفه (۱۹۴۱ م: ستون ۱۳۳۶) به این شرح اشاره کرده است. این شرح توسط سید حسین مرعشی تصحیح شده و در دفتر چهارم میراث بهارستان منتشر شده است (مرعشی، ۱۳۹۰: ۳-۶۸).

۵. شرح‌واره‌ای فارسی از عادل بن شیرازی (نیمه نخست سده ۱۰ ق). شیرازی در این اثر ابتدا بیت عربی را معنی کرده و شرحی مختصر بر ابیات نگاشته و بعد بیتی فارسی مطابق با مضمون هر بیت قصیده آورده است. از این شرح تنها یک نسخه شناخته شده است (دانش‌پژوه، ۱۳۵۹: ۷۷؛ درایتی، ۱۳۹۱: ۴۲۶).

۶. عبدالقادر بن العیدروس (د. ۱۰۳۸ ق) که تنها دو بیت نخست این قصیده را شرح کرده است (سزگین، ۱۳۸۰: ۸۶۷).

۷. تخمیس نیز از این قصیده موجود است که نویسنده و دوره نگارش آن مشخص نیست. از این تخمیس دو نسخه معرفی شده که یکی مورّخ ۱۱۰۸ ق است (قره بلوط، بی‌تا: ۲۱۴۴/۶) و از اینجا می‌توان دانست که این تخمیس قبل از این تاریخ سروده شده است.

۸. تخمیس دیگری از شیخ علی خاکمردانی ولدانی خویی (د. ۱۳۵۰ ق؛ فاضلی خویی، ۱۳۹۱: ۱۷۱).

۹. در کنار ترجمه فارسی شماره ۴ (در بخش بعد)، یک

کرده‌است. قصیده نونیه در این نسخه شامل ۶۱ بیت با ترجمه و دومین اثر مجموعه (گ ۸ پ - ۱۶ ر) است. آغاز ترجمه فارسی:

فزونى همه کس در جهان[ش] نقصان است
ز هرچه سود کند جز ثواب خسران است

ترجمه‌متن‌آور عنوان‌الحکم (قصیده نونیه)

این ترجمه در مجموعه شماره ۱۲۳۸ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران درج شده‌است. مجموعه مورخ ۷۲۴ ق و شامل هفت کتاب و رساله و قصیده است. قصیده مورد نظر در صفحات ۱۴۶ پ - ۱۴۹ ر، با عنوان «درة الیتیمه» ثبت شده و شامل ۵۸ بیت از قصیده عنوان‌الحکم است (دانش پژوه، ۱۳۳۸: ۲۶۷۹-۲۶۹۳). این قصیده در انجامه نسخه «درة الیتیمه» نامیده شده و این تنها نسخه‌ای است که عنوان‌الحکم را بدین نام ضبط کرده‌است.

ترجمه فارسی به صورت بین‌السطور و واژه به واژه است که برابر معنایی هر واژه در زیر آن نوشته شده‌است. در برخی ابیات واژه‌هایی در معنی افزوده شده و همچنین در برخی ابیات تفسیر بعضی کلمات نیز دیده می‌شود (برای مثال آنجا که در برابر ترجمه «یعنی...» می‌آورد، مانند ابیات ۱۰، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۴۴). غالباً به جای ضمیر مرجع ضمیر آمده‌است. مانند زع الفؤاد عن الدنيا و زخرفها: باز دار دل را از دنیا و از زر و زینت آن دنیا (نک. ابیات ۵، ۲۷، ۳۵، ۴۰، ۴۷).

برخی از ویژگی‌های زبانی ترجمه عبارتند از:

- به کار بردن پیشوند «ها» پیش از افعال و صفت‌های ساخته شده از افعال: ها مسپار، ها برنده...
- استفاده نسبتاً پریسامد از افعال پیشوندی: واپیوستن، فراگذاشتنی، درگذشتن، فروخواه‌اند...
- استفاده از «ای» به معنی آيا. این برابر در ترجمه‌های قرآن نیز دیده می‌شود.

در ترجمه فارسی کوشیده‌ایم که رسم‌الخط اصل را کمتر به‌روز کنیم. کاتب هرگاه یاء نکره به یائی دیگر متصل شود، یک یاء می‌نویسد و روی آن همزه‌ای می‌گذارد. گاه این همزه را هم می‌اندازد که ما به آن موارد در پاورقی اشاره کرده‌ایم. همچنین در یک مورد یاء میانجی کسره اضافه را

پس از الف اینگونه نشان داده‌است (نک. بیت ۷).
دومین اثر در مجموعه یادشده متن و ترجمه اطباق الذهب شرف‌الدین شفره است (همان: ۲۶۷۹). دستنویس دیگری از متن و ترجمه اطباق الذهب در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است (مورخ ۷۲۸ ق) که به لحاظ خط و کتابت کاملاً با ترجمه حاضر مشابهت دارد و ترجمه آن با اطباق الذهب محفوظ در این مجموعه تقریباً یکسان است (با توجه به حجم اطباق الذهب کتابخانه مجلس می‌توان دانست که نزدیک به بیست برگ از ابتدای اطباق الذهب مجموعه دانشگاه تهران افتاده‌است). کمتر گمانی می‌توان داشت که کاتب این دو دستنویس یک تن است و احتمال قوی می‌توان داد که کاتب این دستنویس‌ها همان مترجم بوده‌باشد. مجموعه دانشگاه تهران در تصحیح ترجمه اطباق الذهب فی المواعظ و الخطب (تهران: ۱۳۹۱) مورد استفاده قرار نگرفته‌است و در بازبینی این تصحیح باید مورد توجه باشد.

نسخه‌های مورد استفاده در تصحیح ابیات عربی

در این گفتار، متن عربی قصیده نونیه با چند نسخه مقابله شده و اختلافات در پاورقی‌ها ذکر شده‌است. این نسخه‌ها عبارتند از:

۱. نسخه شماره ۱۲۳۸/۶ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (حاوی ترجمه حاضر) که اساس قرار گرفته‌است.
۲. سفینه تبریز، ص ۷۲۱-۷۲۲، با تاریخ کتابت دوشنبه ۲۱ صفر ۷۲۳ ق، با نشانه «س».
۳. نسخه دانشگاه تهران، فیلم ۸۳۹۹، ص ۱۰۴۵-۱۰۵۱، با نشانه «د».
۴. جنگ بادلیان آکسفورد (۱۳۷ الیوت) شامل ۵۶ بیت در ۴ صفحه که ترجمه جاجرمی در زیر هر بیت آمده و بعضی ابیات در حاشیه صفحه تحریر شده‌است. این نسخه با نشانه «ب» مشخص شده‌است.

۱. دانش پژوه، ۱۳۴۰: ۱۰۰۲.

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

قال الشيخ الامام العلامة
ابوالفتح البستي رحمة الله عليه

- [۱] زِيَادَةُ الْمَرْءِ فِي دُنْيَاهُ تُقْصَانُ
و رِبْحُهُ غَيْرَ مَحْضٍ الْخَيْرِ خُسْرَانُ
افزونی مرد در دنیا و کم شدنست و سود او، جز ویژه
نیکی، زیان کردنست.
- [۲] فَكُلُّ وَجْدَانٍ حَظٌّ لَا ثَبَاتَ لَهُ
فَإِنْ مَعْنَاهُ فِي التَّحْقِيقِ فَقْدَانُ
پس هر یافتن بهره‌ای که نیست ثابت‌شدنی آن را، پس
بدرستی که معنی آن، در درست گردانیدن، کم یافتن.
- [۳] يَا عَامِرًا لِحَرَابِ الدَّهْرِ مُجْتَهِدًا
بِاللَّهِ هَلْ لِحَرَابِ الْعُمْرِ عَمْرَانُ؟
ای آبادانی‌کننده ویرانی روزگار را، اجتهادکننده! به حق
خدای تعالی، ای هست ویرانی زندگانی را آبادانی؟!
- [۴] وَيَا حَرِيصًا عَلَى الْأَمْوَالِ تَجْمَعُهَا
أَتَسِيتَ أَنْ سُورَ الْمَالِ أَحْزَانُ؟
و ای حریصی‌کننده بر مال‌هایی که جمع می‌کنی آن را، ای
فراموش کردی آنک شادمانه کردن مال اندوه‌هاست؟
- [۵] نَزَعَ الْفَوَادَ عَنِ الدُّنْيَا وَ زُخْرُفَهَا
فَصَفَّوْهَا^۴ كَدِيرًا وَالْوَصْلُ هَجْرَانُ
باز دار دل را از دنیا و از زر و زینت آن - دنیا، پس صافی
شدن آن - دنیا - تیرگی است و واپیوستن‌ها بُر [یدن]^۳.
- [۶] وَ أَرَعَ سَمْعَكَ امْثَالًا أَفْصَلُهَا^۴
كَمَا يُفْصَلُ يَاقُوتٌ وَ مَرْجَانُ
و گوش باز کن - گوش ترا - با مثل‌هایی که بیان می‌کنم آن
را، همچنانک جدا کرده شود یاقوت و مروارید
- [۷] أَحْسَنَ إِلَى النَّاسِ تَسْتَعِيدُ قُلُوبَهُمْ
فَطَالَمَا اسْتَعْبَدَ الْإِنْسَانَ إِحْسَانُ^۵

نیکوی کن با مردمان تا بندگی گیری دل‌هایی ایشان را،
پس دیر گاهست که به بندگی گرفت آدمی را نیکوی کردن.

- [۸] وَإِنْ أَسَاءَ مُسِيءٌ فَلْيَكُنْ لَكَ فِي
عُرُوضٍ زَلَّتْهُ صَفْحٌ وَ غُفْرَانُ
و اگر بدی کند بدی‌کننده‌ای، پس باید که باشد تو را در
پدید آمدن گناه او جرم‌فرا گذاشتنی و آمرزیدنی.
- [۹] وَ كُنْ عَلَى الدَّهْرِ مِعْوَانًا لِذِي أَمَلٍ
يَرْجُو نَدَاكَ فَإِنَّ الْحَرَّْ مِعْوَانُ
و باش بر روزگار یاری‌کننده خداوندِ امیدی را که امید
دارد جود و سخاوت تو را، پس به‌درستی که آزادمرد
یاری‌کننده با [شد].
- [۱۰] وَ أَشَدُّ يَدَيْكَ بِحَبْلِ اللَّهِ مُعْتَصِمًا
فَإِنَّهُ الرُّكْنُ إِنْ خَانَتْكَ أَرْكَانُ
و سخت کن هر دو دست تو را به رسن خدای تعالی، یعنی
عهد، در آن حال که چنگ‌درزننده باشی؛ پس بدرستی که
آن^۶ رکن است و اگرچه خیانت کند با تو رکن‌ها.
- [۱۱] مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُحْمَدِ فِي عَوَاقِبِهِ
وَ يَكْفِيهِ شَرَّ مَنْ عَزَّوَا وَ مَنْ هَانُوا^۴
هر آن کس که بترسد از خدای تعالی ستوده است در
عاقبت‌ه‌ها و بسند کند او را از بدی آن کسانی که عزیز
شدند و آن کسانی که خوار [شدند].
- [۱۲] مَنْ اسْتَعَانَ بِغَيْرِ اللَّهِ فِي طَلَبٍ
فَإِنَّ نَاصِرَهُ عَجَزٌ وَ خِذْلَانُ
هر آن کس که یاری خواهد به‌جز خدای تعالی در جستنی،
پس به‌درستی که یاری‌کننده [او] ناتوان‌شدن است و
فرو گذاشتن.
- [۱۳] مَنْ كَانَ لِلْخَيْرِ مَنَاعًا فَلَيْسَ لَهُ
عَلَى الْحَقِيقَةِ إِخْوَانٌ وَ أَخْدَانُ

۴. حاشیه: [افصلها] ای [آیینها] (کلمات در برش لبه کاغذ رفته‌اند).
۵. د: + یا خادم الجسم کم تسعی لخدمتها / تطلب الريح فيما فيه خسران - اقبل
على النفس واستكمل فضائلها / فانت بالنفس لا بالجسم انسان.
۶. س: الدين.
۷. حاشیه: فأنه پس بدرستی که آن (بخشی از ترجمه در برش لبه کاغذ رفته‌است،
به‌حدس خوانده‌شد). این بخش را که زیر سطر جان‌شده در حاشیه نوشته‌است.
۸. ب، د: هان.

۱. س، د: فالله.
۲. س: فصولها.
۳. بخشی از کلمات، در این بیت و در ابیات دیگر نیز، در عطف یا در برش
لبه کاغذ رفته‌است.

هر آن کس که باشد مر نیکی را منع کننده پس نباشد او را،
بر راستی و درستی، برادران و دوستان.

[۱۴] مَنْ جَادَ بِالْمَالِ مَالِ النَّاسِ قَاطِبَةً
إِلَيْهِ وَالْمَالُ لِلنَّاسِ فَتَّانُ

هر آن کس که سخاوت کند به مال، میل کنند مردمان جمله
با او، و مال مر آدمی را در فتنه افکننده است.

[۱۵] مَنْ سَأَلَ النَّاسَ يَسْلَمَ مِنْ غَوَائِلِهِمْ
وَ عَاشَ وَ هُوَ قَرِيرُ الْعَيْنِ جَذْلَانُ

هر آن کس که صلح کند با مردمان برهد از کینه‌ها^۱ ایشان
و بزید و حال آن باشد که او روشن چشم باشد شادان.

[۱۶] مَنْ كَانَ لِلْعَقْلِ سُلْطَانٌ عَلَيْهِ غَدَا
فَمَا عَلَى نَفْسِهِ لِلْجِرْصِ سُلْطَانُ

هر آن کس که باشد مر عقل را حجتی برو در فردا، پس
نباشد بر تن [او] مر حریصی را حجتی.

[۱۷] مَنْ مَدَّ طَرْفًا بَفَرْطِ الْجَهْلِ نَحَوَ هَوَى
أَغْضَى عَلَى الْحَقِّ يَوْمًا وَ هُوَ خَزْيَانُ

هر آن کس که بکشد دیده را، به از حد در گذشتن نادانی،
با جانب خواست تن، چشم فرو خواباند بر راستی در
روزی و او رسواشونده باشد.

[۱۸] مَنْ عَاشَرَ النَّاسَ لَاقَى مِنْهُمْ نَصَبًا
لَا نَ سَوْسَهُمْ^۲ بَغَى وَ عُدْوَانُ

هر آن کس که زندگانی کند با مردمان، ببیند از ایشان رنجی
را از برای آنک خوی ایشان ستم کردن است و بیداد کردن.

[۱۹] وَ مَنْ يُفْتَش عَنِ الْإِخْوَانِ يَقْلَهُمْ
وَ كُلُّ إِخْوَانٍ هَذَا الدَّهْرِ خَوَانُ

و هر آن کس که تفحص کند از برادران دشمن^۳ دارد ایشان
را، و همه برادران این روزگار خیانت کنندگان [نند]

[۲۰] مَنْ اسْتَشَارَ ضُرُوفَ الدَّهْرِ قَامَ لَهُ
عَلَى حَقِيقَةِ طَبَعِ الدَّهْرِ بُرْهَانُ

هر آن کس که مشورت کند با گردش هله روزگار، برخیزد
از برای او بر درستی طبیعت روزگار حجتی.

[۲۱] مَنْ يَزْرَعُ الشَّرَّ يَحْصُدُ فِي عَوَاقِبِهِ
نَدَامَةً وَ لِحَصْدِ الزَّرْعِ إِيَّانُ

هر آن کس که بکارد بدی را، بدرد در عاقبت هله آن
پشیمانی را و درودن کشت راست وقتی.

[۲۲] مَنْ اسْتَنَامَ إِلَى الْأَشْرَارِ نَامَ وَ فِى
قَمِيصِهِ مِنْهُمْ صِلٌ وَ ثُعْبَانُ

هر آن کس که بیارامد با بدان، بخسبد و حال آن باشد که
در پیراهن او باشد از ایشان ماری و از درهای^۴.

[۲۳] كُنْ رَيْقَ الْبِشْرِ إِنَّ الْخُرَّ هِمَّتُهُ
صَحِيفَةٌ وَ عَلَيْهَا الْبِشْرُ عِنَا

باش که صافیت باشد گشادگی، به درستی که آزاد مرد همت
او نامه ایست و بر نامه گشادگی روی عنوان.

[۲۴] وَ رَافِقِ الرَّفَقِ فِى كُلِّ الْأُمُورِ فَلَمْ
يَنْدَمْ رَفِيقٌ وَلَمْ يَذُمَّهُ نَدَمَانُ^۵

و همراهی کن با مدارا کردن در همه^۶ کارها، پس پشیمان
نشد مدارا کننده‌ای و نکوهش نکرد او را ندیمی.

[۲۵] وَ لَا يَغُرَّتْكَ حِطٌّ جَرُّهُ خُرُقُ
فَالْخُرُقُ هَدَمٌ وَ رِفْقُ الْمَرْءِ بِنِائِ

و نباید که بفریباند تو را بهره‌ای که کشیدن آن بی سامان کاری
است، پس بی سامان کاری ویران کردن است و مدارا کردن
مرد، بنا است.

[۲۶] أَحْسِنْ إِذَا كَانَ إِمْكَانُ وَ مَقْدَرَةٌ
فَلَنْ يَدُومَ عَلَى الْإِحْسَانِ إِمْكَانُ

نیکوی کن چو باشد ممکن شدنی و دست دادنی و توانایی،
پس دائم نماند بر نیکوی کردن، دست دادن و ممکن شدن.

[۲۷] صُنْ حُرَّ وَجْهِكَ لَا تَهْتِكْ غَلَانِلَهُ^۷
وَ كُلُّ^۸ حُرٍّ لَحْرَ الْوَجْهِ صَوَانُ

۶. همزه روی «ی» را انداخته است (= از درهائی).

۷. ب، د، س: انسان.

۸. اینگونه است در اصل: همزه روی حرف آخر.

۹. ب، د: غائله.

۱۰. ب، د: فکل.

۱. اصل: کینه‌ها («کین‌ها» نیز خوانده می‌شود).

۲. ب، د: و ما.

۳. د: طبعهم.

۴. د: فُهل و.

۵. ابتدا «کم» نوشته بوده و سپس روی آن را خط زده است.

مپندار مردمان را یک طبیعت، پس ایشان راست طبیعت‌ه‌ا
که نیستی تو که برشمری و خوی‌هائی.

[۳۵] مَا كُلُّ مَاءٍ كَصَدَاءٍ لِوَارِدِهِ

نَعْمَ وَلَا كُلُّ نَبْتٍ فَهُوَ سَعْدَانُ

نیست هر آبی همچو آب صداء به آب‌آینده آن آب [را]، آری
و نه هر رستنی پس آن رستنی سعدان است.

[۳۶] لَا تَخْدِشَنَّ بِمَطْلٍ وَجَهَ عَارِفَةٍ

فَالْبُرِّ ۷ يَخْدِشُهُ مَطْلٌ وَلِئَانُ

[پس] نیک باید که نخراشی به مدافعت کردن روی نیکی
را، پس نیکوی بخراشد آن نیکوی را مدافعت کردن و دفع
کردن.

[۳۷] لَا تَسْتَشِرْ غَيْرَ نَدْبٍ حَازِمٍ يَقِظُ

قَدْ اسْتَوَى مِنْهُ ۹ إِسْرَافٌ وَ إِعْلَانُ

باید که مشورت نکنی با جز مردی کار گزار هشیار دل بیدار
که برابر و یکسان شد از و پنهان کردن و آشکارا کردن.

[۳۸] فَلِلْتَدَابِيرِ فُرْسَانُ إِذَا رَكَّضُوا

فِيمَا ۱۰ أَبْرُوا كَمَا لِلْحَرْبِ فُرْسَانُ

پس تدبیرها را اند سوارانی که چو بدوانند درآنچ نیکو
کردند همچنانک جنگ را اند سواران.

[۳۹] وَ لِلْأُمُورِ مَوَاقِيتُ مُقَدَّرَةٌ

وَكُلُّ ۱۱ أَمْرٍ لَهُ حَدٌّ وَ مِيزَانُ

و کارها [را] است وقت‌های تقدیر کرده و هر کاری آن کار
را است حدی و ترازویی.

[۴۰] فَلَا تَكُنْ عَجَلًا فِي الْأَمْرِ تَطْلُبُهُ

فَلَيْسَ يُحْمَدُ قَبْلَ النَّضْجِ بُحْرَانُ

پس مباش شتاب کننده در کار که می جوئی آن کار را؛ پس

۴. د، س: تحصیهن الوان.

۵. کذا؛ صحیح: فَهُوَ.

۶. س: عتاب (؟).

۷. ب: فلمن.

۸. اولین واژه در سوی عطف نسخه محو شده است؛ درباره «پس نیک» در

ترجمه «ن» تأکید نک. ترجمه اطباق الذهب، مقدمه: ص ۲۵.

۹. د: فیه.

۱۰. س: فیه.

۱۱. د: فکل.

نگاه دار آب روی تو را، مدر جامه‌های آن را و هر آزادمردی
آب روی را نگاه دارنده است.

[۲۸] وَ إِن لَّقِيتَ عَدُوًّا فَالْقَهُ أَبَدًا

وَ الْوَجْهَ بِالْبِشْرِ وَ الْإِشْرَاقَ غَضَّانُ

و اگر بینی دشمنی را پس بین آن را همیشه و حال آن باشد
که روی به گشادگی روی و روشن شدن تازه باشد.

[۲۹] دَعِ التَّكَاسَلَ فِي الْخَيْرَاتِ تَطْلُبُهَا

فَلَيْسَ يَسْعَدُ فِي الْخَيْرَاتِ ۱ كَسْلَانُ

بگذار کاهلی نمودن را در نیکوی‌ها که می جوئی آن را، پس
نیست که نیکبخت شود در نیکوی‌ها کاهلی.

[۳۰] لَا ظِلَّ لِلْمَرْءِ يَعْرِى مِنْ تَقَى وَ نُهَى ۲

وَ إِن أَظْلَمَتْهُ أَوْرَاقُ وَ أَفْنَانُ

نیست سایه مرد را که برهنه شود، یعنی خالی شود، از
پرهیزگاری و از عقل‌ها، و اگرچه سایه افکند برو برگ‌ه‌ا
درخت و شاخ‌ه‌ا درخت.

[۳۱] وَ النَّاسُ أَعْوَانُ مَنْ وَالتَّه دَوْلَتُهُ

وَ هُمْ عَلَيْهِ إِذَا عَادَتْهُ أَعْوَانُ

و مردمان یاری کنندگان آن کسی هستند که دوستی کند با
او دولت او، و ایشان برو، چو دشمنی کند آن دولت با او،
سرهنگان باشند.

[۳۲] سَحْبَانُ مِنْ غَيْرِ مَالٍ بِاقِلْ حَصِيرُ

وَ بِاقِلْ فِي ثَرَاءِ الْمَالِ سَحْبَانُ

سحبان وائل از جز مال باقل است در مانده در سخن، و
باقل در توانگری مال، سحبان وائل است.

[۳۳] لَا تُودِعِ السَّرَّ مَشَاءً بِهِ مَذَلًا

فَمَا رَعَى غَنَمًا فِي الدَّوِّ سِرْحَانُ

هامسپار راز را هابرنده آن راز، یعنی سخن چین دل‌تنگ‌شونده
از پوشیدن راز، پس نگذارد ۳ گوسفند را در بیابان، گرگ.

[۳۴] لَا تَحْسَبِ النَّاسَ طَبْعًا وَاحِدًا فَلَهُمْ

غَرَائِزُ ۴ لَسْتَ تَحْصِيهَا وَ أَدِيَانُ ۴

۱. ب، د، س: بالخیرات.

۲. د: نهی و تقی.

۳. حاشیه: فما رعی بس نک [ذارد] (بخشی از ترجمه در برش لبه کاغذ رفته است،
به حدس خوانده شد). این بخش را که زیر سطر جا نشده در حاشیه نوشته است.

نیست که ستوده شود پیش از پخته شدن رنج، بحران رنج.

[۴۱] كَفَى مِنَ الْعَيْشِ مَا قَدْ سَدَّ مِنْ عَوْرٍ^۱
و فِيهِ^۲ لِلْمَرْءِ قُنْيَانٌ وَ غُيَانٌ

بسنده است از زندگانی آنچه استوار برآورد از نیافت، یعنی درویشی، و در آنست مرد را ملازم گرفتن و بی‌نیاز شدن.

[۴۲] وَ ذَوَالْقَنَاعَةِ رَاضٍ مِنْ مَعِيشَتِهِ
وَ صَاحِبُ الْحِرْصِ إِنْ أَثَرَى فُغْضِبَانٌ

و خداوند قناعت خشنودشونده باشد از زندگانی او، و خداوند حرصی اگر توانگر شود پس خشناک [باشد].

[۴۳] حَسِبُ الْفَتَى عَقْلُهُ خِلَا يُعَاشِرُهُ
إِذَا مَا تَحَامَاهُ^۳ اخْوَانٌ وَ خُلَانٌ

بسنده است مرد جوان را خرد او، دوستی که زندگانی کند با او، چو با یکسو شوند ازو برادران و دوستان.

[۴۴] هُمَا رَضِيعَا لِبَانِ حِكْمَةٍ وَ تَقَى
وَ سَاكِنَا وَطَنِ مَالٍ وَ طُغْيَانٌ

ایشان هر دو - یعنی آن خداوند قناعت و آن خداوند حرص - دو شیرخورنده شیرری هستند: حکمت و پرهیزگاری، و دو ساکن‌شونده وطنی هستند: مال و از حد درگذشتن.

[۴۵] إِذَا نَبَا بِكَرِيمٍ مَوْطِنٌ فَلَهُ
وَرَاءَهُ فِي بَسِيطِ الْأَرْضِ أَوْطَانٌ

چوبه سر باز زند و قرار ندهد مرد بزرگ را جائی، پس او را باشد در پیش او، و گویند پس ازو، در روی زمین وطن‌های^۴.

[۴۶] يَا ظَالِمًا فَرِحًا بِالْعِزِّ سَاعِدَةً
إِنْ كُنْتَ فِي سِنَةِ فَالْدَهْرِ يَقْظَانٌ

ای بیدادکننده شادشونده به عزتی که یاری کرد آن عزت او را! اگر هستی تو در خواب پس روزگار بیدارست.

[۴۷] مَا اسْتَمَرَّ الظُّلَمَ لَوْ أَنْصَفْتَ آكِلُهُ
وَ هَلْ يَلِدُ مَذَاقُ الْمَرْءِ خُطْبَانَهُ

۱. س: رفق.

۲. د: فقیه.

۳. ب: یحامته.

۴. همزه روی «ی» را انداخته است (= وطن‌هایی).

گوارنده نیافت بیداد کردن را، اگر انصاف دهی تو، خورنده آن بیدادی، و آی خوش گرداند جای چشیدن مرد را، یعنی ده[ن]، حنظل؟

[۴۸] يَا أَيُّهَا الْعَالِمُ الْمَرْضِيُّ سِيرَتُهُ

أَبْشَرُ فَأَنْتَ بِغَيْرِ الْمَاءِ رَيَّانٌ

ای داندۀ‌ای که پسندیده است سیرت او! بشارت ده پس تو به جز آب سیرابی.

[۴۹] وَ يَا أَخَا الْجَهْلِ لَوْ أَصْبَحْتَ فِي لُجَجٍ

فَأَنْتَ مَا بَيْنَهَا لَا شَكَّ ظَمَانٌ

و ای خداوند نادانی اگر بامداد کنی تو در میانه‌های دریا پس تو میان آن میانه‌های دریا بی‌شک تشنه باشی.

[۵۰] لَا تَحَسَبَنَّ سُورًا دَائِمًا أَبَدًا

مَنْ سَرَّهُ زَمَنٌ سَاءَتْهُ أَرْمَانٌ

نیک باید که نپنداری شادمانه کردنی را دائم‌شونده همیشه؛ هر آن کس که شادمانه کند او را روزگاری، غمگین کند او را روزگاران.

[۵۱] لَا تَغْتَرَّ بِشَبَابٍ رَانِقٍ خَضِلٍ

فَكَمْ تَقَدَّمَ^۵ قَبْلَ الشَّيْبِ شُبَّانٌ

فریفته مشوبه جوانی بر شگفت‌دارنده‌تر، یعنی خوش؛ پس ای بسا که از پیش برفتند [جوانانی پیش از پیری]^۶.

[۵۲] يَا رَافِلًا فِي ثِيَابِ الْوَشَى^۷ مُتَشَبِّهًا

مِنْ كَاسِهِ هَلْ أَصَابَ الرُّشْدَ تَشْوَانٌ؟

ای خرامنده در جامه‌های رنگین در آن حال که مست‌شونده باشی از کاس خود!^۸ ای برسید به راه راست مست؟

[۵۳] وَيَا أَخَا الشَّيْبِ لَوْ نَاصَحْتَ نَفْسَكَ لَمْ

يَكُنْ لِمِثْلِكَ فِي الْأَشْرَافِ إِنْسَانٌ^۹

و ای خداوند پیری اگر نصیحت کنی تو تن تو را، نباشد

۵. متن: حظیان. چنین کلمه‌ای یافت نشد با توجه به معنی و نسخه‌های دیگر

تصحیح شد. س: خطیان.

۶. ب: بشاب وارف.

۷. ب: يقدم.

۸. ترجمه بخش اخیر بیت نانوشته مانده است.

۹. د: فی الشباب الوحف؛ ب: فی شباب الوحظ؛ س: فی شباب الوحف.

۱۰. «از کاس خود» را در حاشیه افزوده است.

۱۱. د، س: فی الاسراف امعان.

تمت القصيدة الفريدة الموسومة بالدرّة
اليتيمة بحمد الله و حسن توفيقه و قد وقع
الفراغ من تحريرها يوم الاحد وقت
العصر الرابع من جمادى الاولى
سنة اربع و عشرين و سبعمائة
هجریة نبویة
مصطفویة

- ابیاتی که در متون منثور بدانها استشهاد شده‌است
- [۱] در فصل هفتم از باب پنجم مرصادالعباد (ص ۵۲۳) به شاهد آمده‌است.
 - [۲] در اعجوبه و محجوبه در بخش معدلت و انصاف (ص ۲۳) به شاهد آمده‌است.
 - [۴] در اعجوبه و محجوبه در بخش قناعت (ص ۱۰۰) به شاهد آمده‌است.
 - [۷] در اعجوبه و محجوبه در بخش سخاوت (ص ۶۳) به شاهد آمده‌است.
 - [۳۹] در درة الاخبار (ص ۳۳) آمده‌است.
 - [۴۰] در درة الاخبار (ص ۳۳) آمده‌است.
 - [۴۶] در مکارم الاخلاق (ص ۱۲۹) آمده‌است.
 - [۴۹] در درة الاخبار (ص ۳۳) آمده‌است.
 - [۵۰] در مرزبان‌نامه (ص ۲۹۴) آمده‌است.
 - [۵۳ و ۵۴] در جواهر الادب (ص ۶۷۳) آمده‌است.

منابع

- ابن خلکان، احمد بن محمد (۱۳۶۴). وفيات الاعیان و انبئه ابنه الزمان. محقق احسان عباس. قم: الشریف الرضی.
- الاسفزاری، فضل‌الله بن عثمان بن محمد و مؤلفی ناشناخته (۱۳۸۰). شرح اخبار و ابیات و امثال عربی کلیه و دمنه. مقدمه، تصحیح و تعلیقات بهروز ایمانی. تهران: میراث مکتوب.
- تبریزی، مجدالدین (۱۳۸۱). سفینه تبریز (چاپ نسخه‌برگردان). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ترجمه اطباق الذهب فی المواعظ و الخطب (۱۳۹۱). تصحیح

مانند تو را در میان بزرگان آدمی.

- [۵۴] هَبِ الشَّيْبَةَ ثُبُلَى^۱ عَذَرَ صَاحِبِهَا
مَا بَالُ أَشْيَبَ^۲ يَسْتَهْوِيهِ شَيْطَانُ^۳
انگار جوانی را که ظاهر کند عذر صاحب آن جوانی را،
چيست حال پیری که سرگشته کند او را دیو؟
- [۵۵] كُلُّ الذُّنُوبِ فَإِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُهَا
إِنْ شَئَعَ الْمَرْءُ إِخْلَاصَ وَ إِيْمَانُ
همه گناه‌ها، پس به‌درستی که خدای تعالی بیامرزد آن را،
اگر از پی فرا رود مرد را اخلاص و ایمان.

- [۵۶] وَ كُلَّ كَسِيرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَجْبِرُهُ
وَ مَا لِكَسْرٍ قِنَاقَ الدِّينِ جُبْرَانُ
و هر شکسته‌ای پس به‌درستی که خدای تعالی به اصلاح
آورد آن را و نیست شکستن چوب نیزه دین را به اصلاح
آورد[نی].

- [۵۷] خُذَهَا^۴ سَوَائِرَ أَمْثَالًا^۵ مُهَذَّبَةً
فِيهَا لِمَنْ يَتَغَى التِّيَّانَ تَبْيَانُ
فرا گیر آن قصیده را، جمله مثل‌هائ پاک‌کرده، در آن قصیده
است آن کس را که جوید روشن گردانیدن را، روشن
گردانیدن[.].

- [۵۸] مَا ضَرَّ حَسَانَهَا وَ الطَّبْعُ صَانِعُهَا
إِنْ لَمْ يَصْغُهَا قَرِيبُ الشَّعْرِ حَسَانُ^۶
زیان نرسانید حسان آن قصیده، یعنی گوینده آن، و حال آن
است که طبیعت کننده آن است، یعنی گوینده، اگر نکرد آن
را، یعنی اگر نگفت آن را، برگزیده شعر، حسان بن [ثابت]
رضی [الله عنه].

۱. «تبلی» و ترجمه آن در حاشیه آمده‌است.
۲. ب: بال اشمط.
۳. د: مَا عَذَرَ أَشْيَبَ مِنْ يَسْتَهْوِيهِ شَيْطَانُ.
۴. ب: خذ.
۵. ب: د: امثال.
۶. س: دو بیت آخر را ندارد.

- و تحقیق عبدالحمید ربیع‌نیا، ولی علی منش. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ثعالبی، ابومنصور عبدالله (۱۴۰۳ ق). یتیم‌الدهر فی محاسن اهل العصر. تحقیق مفید قمیحه. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ثعالبی، ابومنصور عبدالله (۱۳۰۰ ق). نثرالنظم و حل العقد. دمشق: مطبعة معارف الولاية الجلیله.
- جرفاذقانی، ابوالشرف ناصح (۱۳۵۷). تاریخ یمینی. به‌اهتمام جعفر شعار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (۱۹۴۱ م). کشف‌الظنون عن اسامی الکتب والفنون. تحقیق محمد شرف‌الدین یالتقایا و رفعت بیگلر الکیلی. معارف مطبعه‌سی.
- دانش‌پژوه، محمد تقی (۱۳۳۸). فهرست کتابخانه‌اهدائی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران. جلد سوم، بخش پنجم، مجلد هفتم، دومین ذیل. تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۴۰). فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. ج ۹. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۴۶). نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ش ۵ و ۶: ۶۲۹-۶۳۹.
- درایتی، مصطفی (۱۳۹۲). فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا). تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- رازی، نجم‌الدین (۱۳۵۲). مرصاد العباد. به‌اهتمام محمدامین ریاحی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- سرخسی، حامد بن فضل‌الله (۱۳۸۱). اعجوبه و محبوبه. مقدمه، تصحیح و تعلیقات رضا سمیع‌زاده. تهران: نشر آنا.
- سزگین، فؤاد (۱۳۸۰). تاریخ نگارش‌های عربی. ترجمه، تدوین و آماده‌سازی مؤسسه نشر فهرستگان. به‌اهتمام خانه کتاب. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سمرقندی، دولتشاه (۱۳۸۲). تذکرة الشعراء. به‌اهتمام و تصحیح ادوارد پروان. تهران: اساطیر.
- شیخ بهایی (۱۳۳۷). الکشکول. تحقیق میرزا محمدصادق نصیری. قم: شرکت طبع و نشر.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۶۵). مکارم الاخلاق. ترجمه ابراهیم میرباقری. تهران: فراهانی.
- ظهیری سمرقندی، محمد بن علی (۱۳۹۲). اغراض السیاسه فی اغراض الریاسه. به‌تصحیح جعفر شعار. تهران: دانشگاه تهران.
- عوفی، محمد (۱۳۶۱). لباب الالباب. از روی چاپ ادوارد براون، با مقدمه و تعلیقات محمد قزوینی و نخبه تحقیقات سعید نفیسی و ترجمه دیباچه انگلیسی به فارسی به قلم محمد عباسی. تهران: کتابفروشی فخر رازی (دو جلد در یک مجلد).
- فاضلی خویی، جابر (۱۳۹۱). تذکرة الفضلاء در تاریخ علمه و عرفا و شعرا و خوی (قرن چهارم تا قرن چهاردهم). تحقیق علی صدراپی خویی. به‌اهتمام سعید فاضلی خویی. قم: قسیم.
- فقیهی، حسین (۱۳۸۱). ابیات عربی در متون فارسی تا قرن هفتم. تهران: دانشگاه الزهراء.
- قره بلوط، علی الرضا و احمد طوران قره بلوط (بی‌تا). معجم التاریخ التراث الاسلامی فی مکتبات العالم. ترکیه: دارالعقبه.
- کحاله، عمر رضا (۱۳۷۶ ق). معجم المؤلفین. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مرعشی، محمدحسین (۱۳۹۰). «الانوار المضيئه فی شرح القصیده البستیة». در: میراث بهارستان. دفتر چهارم. به‌کوشش مرکز پژوهش کتابخانه مجلس شورای اسلامی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. ص ۳-۷۰.
- نظام تبریزی، محمد بن علی (۱۳۸۱). بلوهر و بیودسف. به‌تصحیح محمد روشن. تهران: میراث مکتوب.
- نفیسی، سعید (۱۳۶۳). تاریخ نظم و نثر در زبان فارسی. تهران: کتابفروشی فروغی.
- وراوینی، سعدالدین (۱۳۷۵). مرزبان‌نامه. به‌کوشش خلیل خطیب‌رهبر. تهران: صفی‌علیشاه.
- الهاشمی، احمد (۱۳۶۹). جواهرالادب فی ادبیات و انشاء لغة العرب. تهران: انتشارات استقلال.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۸۰). معجم البلدان. ترجمه علی نقی منزوی. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- یزدی، منتجب‌الدین (۱۳۸۸). درة الاخبار و لعمه الانوار. ترجمه علی بن زید بیهقی. تصحیح و تحقیق علی اوجبی. تهران: انتشارات حکمت.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ الشَّيْخُ الْأَمَامُ الْعَلَامَةُ

أَبُو الْفَتْحِ الْبُسْتِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ

زِيَادَةُ الْمَرْءِ فِي دُنْيَاهُ نَقْصَانٌ وَرِجْهٌ غَيْرُ مُخْضٍ خَيْرٌ خَيْرَانِ
 انفرادی مرد در دنیا، او کم شدن است و سودا و جز و بهره، یکی زیان کردن است
 فَكُلْ وَجِدْ أَنْ حَظَّ لَا ثَبَاتَ لَهُ بَلْ هُوَ مَعْنَاهُ فِي الْحَقِيقِ فَقُلْ
 بس و یافتن که نیست ثابت مدتی پس مدستی که معنی آن در دست کردن است
 يَا غَايِرَ الْحَرَابِ لَكَ هَرَجٌ هَذَا بِأَيْدِيهِ هَلْ خَرَابٌ الْعَيْنُ عَمَّ الْأَنْبِيَاءُ
 ای ایامانی کننده و بیگانه روزگار را اجتهاد کنند بخداوند تعالی ای هستی زندگانی را
 وَيَا حَرِيصًا عَلَى الْأَمْوَالِ يَجْمَعُهَا السُّبُتُ أَنْ سَبْرٌ فِي الْمَالِ حِرَافَةٌ
 وای حریصی کننده بر مالهای که جمع می کنی اینها ای فراوانی کردن اگر شادمانی کنی
 زَعِ الْفَوَادِ عَنِ الدُّنْيَا وَزَخْرِ فِيهَا يَصْفَوْهَا كَذِبُ الْأَصْلِ
 بازدار دل را از دنیا و از زوینت آن دنیا بر همانی شدید از دنیا دوری است و وابستگی
 وَأَزْجِ سَمْعَكَ أَمْثَلًا أَفْضَلُهَا كَمَا يُفَضِّلُ يَأْتِي قُوتٌ وَمِنْ جَانِ
 وگوش باز کن گوش ترا با مثل های که بیان می کنی از آنکه جزا کرده شود یا قوت و مرز او
 أَحْسَنَ إِلَى النَّاسِ تَسْتَعِيدُ قُلُوبَهُمْ فَطَالَمَا اسْتَعِيدَ الْأَنْبِيَاءُ
 بنکوی کن بامردمان بمانندگی گیری دل های ایشان را پس دیر که هست بندگان گرفت
 أَحْسَانٌ
 بنکوی کردن

صَلَامًا
 رَحِيمَةً

آغاز متن و ترجمه قصیده نوبیه ابوالفتح بستی، مجموعه ش ۱۲۳۸ دانشگاه تهران

بَارَأَ فَلَاحِي ثِيَابِ الْوُشْيِ مُنْتَشِبًا مِنْ كَاسِيهِ هَلْ أَصَابَ التَّرَشُّدَ شَوَابًا
ای خرامنده در جامه‌های رنگین در آن حال که مست شونده باشی ای بر سید برادر داشت
وَيَا أَخَا الشَّيْبِ لَوْ نَا صَحَّتْ نَفْسُكَ لَمْ يَكُنْ لِمِثْلِكَ فِي الْأَشْرَافِ الشَّيْبَانِ
وای خدایوند بزرگ اگر نصیحت کنی تو مرا نباشد مانند تو در میان بزرگان آدمی
وَهَبِ الشَّيْبَةَ عِزًّا صَاحِبِيهَا مَا بَالُ الشَّيْبِ يَسْتَهْوِيهِ شَيْطَانُ
انکار جوانی را عند حاجت از جوانی نیست حال پیری که سرگشته کند او را دیو
كُلُّ الذُّنُوبِ فَإِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُهَا إِنْ شِيعَ الْمَرْءُ اخْلَاصَ وَإِيمَانًا
همه گناهها پس بدستی که خدای تعالی اگر از وی بزرگوار بود در اخلاص و ایمان
وَكُلُّ كَيْسِيرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يُخَيِّرُهُ وَمَا الْكَيْسَرُ قِنَاءَ الدِّينِ خَيْرٌ أَنْ
وهر شکسته پس بدستی که خدای تعالی او را درازا نیست شکستن سیر زرا با صلاح آورد
خَذَّهَا سَوَابِرَ أَمْثَالِ الْمُهَذَّبَةِ فِيهَا لَمْ يَنْتَهِجِ الْبَيَانُ تَبَيَّنَ رُشْدُهَا
خزها را سواران امثال مهذبها باز کرده در آن قصیده است روشن گردانیدند
مَا ضَرَّ حَسَانَهَا وَالطَّبَعُ صَاغِبُهَا إِنْ لَمْ يَصْغُرْهَا قَرِيعُ الشَّعْرِ حَسَانُهَا
وآنرا بر سادگی آن قصیده و طالع است که طبعه کوچک کند آنرا بهیچان که کثرت شعر
قَمَّتْ الْقَصِيدَةُ الْفَرِيدَةُ الْمَوْسُومَةُ بِالذِّكْرِ
الْيَتِيمَةُ بِحَمْدِ اللَّهِ وَحُسْنِ تَوْفِيقِهِ وَقَدْ قَعَّ
الفراع من تحریرها یوم الاحد وقت
الغرض الرابع من جمادی الاولى
سنة اربع وعشرين وسبعماية
هجریة نبویة
مطبعة

پایان متن و ترجمه قصیده نوبیه ابوالفتح بسّنی، مجموعه ش ۱۲۳۸ دانشگاه تهران